

پالیسی اصول اخلاقی

خلاصه

امروزه بحث اخلاق یکی از مؤلفه‌های مهم برای پویندگی مؤسسات و پوهنتون‌ها است و با توجه به این مسئله مؤسسات تحصیلات عالی در روشنایی پالیسی‌های که در لایحه و مقررۀ مقام محترم وزارت تحصیلات عالی و نهادهای اکادمیک متبلور است. رهبری پوهنتون فراه خود را ملزم می‌داند تا این نهاد را عیار سازد. زیرا اخلاق اکادمیک از ضروریاتی است که باید در تمام بخش‌های اکادمیک مورد توجه قرار گیرد. ملاحظات اخلاقی می‌توانند به‌عنوان یک عامل بازدارنده مؤثر تلقی شود. در ملاحظات اخلاق اکادمیک چارچوب‌های تعریف شده‌اند، ولی هیچ کدام از این دستور العمل‌ها کاربرد مطلق ندارد، بلکه آمیخته‌ای آنها از سوی اهل علم پذیرفته شده است. بحث اخلاق اکادمیک از رعایت ارزش‌های ملی، مذهبی، دینی شروع تا صداقت در تحقیقات علمی، ارائه درس با کیفیت و متعهد بودن در همه امور را در بر می‌گیرد که متأسفانه گاهی این محیط نمی‌تواند بر این موارد مهم فائق آید. مراعات تمام موارد اکادمیک و مباحث نظم دسیپلینی تا مقررات که همه خانواده وزارت تحصیلات عالی به‌عنوان مرجع اقدامات حساب می‌کنند، اداره مؤسسه تحصیلات عالی فراه تا حد ممکن سعی بر این دارد که در آن آئینه خود را صیقل داده و نسل امروز را مسئول و متعهد تربیت نماید.

کلمات کلیدی: پوهنخی، اخلاق اکادمیک، اخلاق محصلی، فرهنگ پوهنتونی.

مؤسسات تحصیلات عالی به عنوان نماد آموزش عالی و نهاد اثرگذار بر فرهنگ جامعه به شمار می رود . با توجه به اینکه فرهنگ پوهنتون از عناصر فرهنگ ساز جامعه است، اهمیت ویژه دارد. فرهنگ پوهنتون به منزله یکی از خرده فرهنگ های مهم، زیرساخت و پیش شرط توسعه علمی و دانش آفرینی در هر جامعه به حساب می آید. هیچ عاملی به سان دانش نمی تواند در تحولات منشأ و بنیادین مؤلفه قرار گیرد و نظام آموزش عالی به وجود اعضای هیئت علمی می تواند نقش ارزنده و سرنوشت ساز را در زمینه رقم بزند. آشکار است که نکته تأمل در پوهنتون ها نقش الگویی آنها در جامعه است، چون جامعه بر اساس انگیزه فطری خویش، اهل دانش را حرمت دارد، دانش آموختگان و دانشمندان را منزلت قائل است مبنی بر این اصل پالیسی اخلاقی و توجه و نظارت این امر بر مؤسسات تحصیلات عالی الزامیست، زیرا پوهنتون حریم آموزشی عالی و دانش پروری است، که با استعدادترین جوانان کشور را برای کسب تخصص و آموزش عالی پرورش می دهند تا وطن خویش را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی به سوی آسایش و پیشرفت رهنمایی کند. اساتید و محصلان به عنوان قشر پیش آهنگ جامعه خویش مسئولیت دارند که در پهلوی تدریس و آموختن علوم تخصصی، تبارز دهنده کرکترهای سالم اجتماعی نیز باشند (وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۰).

اخلاق نیکو می تواند که باعث برقراری روابط بهتر میان شهروندان جامعه گردد، هر جامعه نظر به رسم و عنعنات و آیین خویش دارای اخلاق ویژه خودش می باشد. رعایت نظم اکادمیک و حفاظت شاخصه های کرکتر اکادمیک یکی از الزامات اساسی در محیط پوهنتون ها و مؤسسات تحصیلات عالی به شمار می رود. هرگونه رفتاری که باعث اخلال نظام آموزشی، نقص حقوق دیگران و امنیت گردد، غیرقابل باور است و باید که در قبال آن تصامیم جدی اتخاذ گردد. بنابراین لازم است که مسائل مربوط به عدم رعایت نظم اکادمیک و نقص اصول شناخته شده در محیط مؤسسات، پوهنتون ها به شکل یک لایحه رهنمودی ذیلاً مورد اجرا قرار گیرد، تا هم شفافیت و هماهنگی در تصمیم گیری ها موجود باشد و هم از تصامیم سلیقه ای در چنین موارد جلوگیری گردد. که این نهاد علمی خود را مکلف به مراعات آن می داند.

با احترام

مولوی سمیع الله حقانی

رئیس پوهنتون فراه

ارزش‌های معنوی و داشته‌های اخلاقی ثروت بی‌همتایی در زندگی هر انسان به شمار می‌رود و در صورت ضیاع آن هیچ نوع بدیلی برای آن سراغ نمی‌شود، خصوصاً کسانی که از نعمت دانش بهره‌مندند، در سطح طبقه علیایی جامعه قرار داشته و رهبری (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) را به دوش دارند، زمانی عملکردشان می‌تواند تحول‌آفرین باشد که با ارزش‌های اخلاقی مزین بوده و قبل از اینکه بر فرق (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) حکومت کنند، چنانچه حضرت پیامبر (ص) فرموده است: جز این نیست که من معلم فرستاده‌شده‌ام تا مدار و مراتب اخلاقی را به پایه اکمال برسانم. یعنی اگر کسی می‌خواهد در راستای اعمار اخلاقی (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) وارد صحنه شده و عمل کند، صرف استادان و معلمان می‌توانند از عهده این مسؤولیت سنگین موفق بدر آیند. اگر استاد مزین و متعهد به ارزش‌های اخلاقی نباشد، به قول سعدی اگر صد مسؤولیت درسی‌اش را بگوید بازهم ارزش ندارد زیرا استاد وظیفه ساختن شخصیت معنوی انسان و تقدیم وی را به عنوان یک انسان مفید در جامعه بر عهده دارد.

هدف

✓ تهیه و فراهم‌سازی اصول و ضوابط اخلاقی هیئت رهبری، استادان، کارمندان اداری و محصلان در پوهنتون فراه

بخش نخست هیئت رهبری پوهنتون فراه

هیئت رهبری پوهنتون مکلفیت‌های اخلاقی زیر را بر عهده دارد:

1. هیئت رهبری مؤسسه تحصیلات فراه مکلفیت دارد پوهنتون را برای همه (استادان، کارمندان و محصلان) محیط امن، آرام و مورد اعتماد سازد.
2. پوهنتون متعهد به تطبیق اصل مجازات و مکافات بوده، از آن حمایت می‌نماید.
3. هیئت رهبری مؤسسه تحصیلات فراه مسؤولیت دارد با توظیف اشخاص امین، دلسوز، عاری از فسادهای گوناگون چون فساد اداری، فساد اخلاقی و ملبس به ارزش‌های اخلاقی گامی در راستای پیشرفت پوهنتون بردارد.
4. هیئت رهبری پوهنتون در پخش ارزش‌های اخلاقی در سطوح مختلف مکلفیت دارد.
5. ارزش‌های اخلاقی و استمرار به آن در فورم تقرر، ترفیع و امتیاز جایگاهی عالی داشته و تأثیرگذار است.
6. رهبری مؤسسه تحصیلات فراه، عملکرد علمی، تخصصی، مسلکی و اخلاقی استادان را مورد پیگرد قانونی قرار می‌دهد.

7. رهبری پوهنتون با در نظر داشت سلسله مراتب در آغاز هر دوره، محصلان جدید الشمول را از قوانین و مقررات پوهنتون آگاه ساخته و تعهد ایشان را در مورد رعایت و احترام آن می گیرد.

بخش دوم

استادان

1. نخست از همه، استاد باید مسلکی بوده و بر مسلک خویش حاکمیت کامل داشته باشد، در غیر آن استاد بودن مفهومی ندارد و در ضمن آن تعهد مسلکی و حرمت گذاری به معیارهای مسلکی نیز امر ضروری است.
2. استاد باید تقوی، اخلاص و اخلاق مسلکی داشته باشد، در صورتی که استاد فاقد این ارزش ها باشد، تعلیم و تدریس وی در قسمت تغییر مثبت محصلان تأثیرگذار نبوده و محصلان نمی توانند از آن سود ببرند.
3. به تدریس آموزش علاقه داشته و باروحیه خستگی ناپذیر این مسیر را بپیماید و هم در این راستا سعه صدر داشته و از دل تنگی و خشونت جداً پرهیزد؛ زیرا خشم و خشونت استاد را در مسیر غیر مطلوب سوق می دهد و گاهی هم شخصیت او را خدشه دار می سازد.
4. استاد در تدریس خویش همیشه حقیقت را بازگو نماید؛ زیرا این چیزی است که محصلان انتظار آن را دارند و هیچ گاه در ارائه مطالب علمی از ارزش آن نگاهند.
5. استاد باید قانون مند بوده، اهداف عالی داشته و وقت شناسی را در رأس برنامه های خویش قرار دهد.
6. استاد باید در تدریس خویش از شیوه های مؤثر، مفید و کارا استفاده نماید، تا از یک طرف برای محصلان قابل فهم بوده و از طرف دیگر محصلان باعلاقه وافر و وارد جلسات درسی گردند.
7. استاد باید عدالت پسند و عدالت پیشه باشد و همیشه ارزیابی دقیق انجام داده و بر ارزش هایش بیفزاید.
8. رابطه استاد باید رابطه برادری، دوستی، برابری و بر اصل صمیمیت استوار باشد و از تمام اخلاق سوء چون غرور، تکبر، حسد و زشت خوئی، انواع مختلف تعصب (سمتی، قومی، نژادی، جنسی و...) سوء استفاده های اخلاقی پرهیز نماید؛ زیرا این صفات با وجود این که در دیدگاه اخلاق اجتماعی منفور بوده در دیدگاه دینی نیز مورد نکوهش شدید قرار گرفته است.
9. استاد همیشه با دیگران رویه اخلاقی و انسانی مبتنی بر احترام متقابل داشته و از آنچه که منافع شأن وی است چون استهزاء، تمسخر و توهین دیگران اعم از همکاران و محصلان اجتناب نماید.
10. استاد در ضمن ارائه مطالب درسی، به طور مداوم از سفارشات نیک و سازنده خویش دریغ نوزد و همیشه بر اخلاق حسنه، تواضع، احترام متقابل و انسان دوستی تأکید نماید.

11. استاد در هنگام تربیت و سازندگی احساسات و عواطف را کنار گذاشته و از همان روش‌های تربیتی و آموزشی استفاده نماید که منجر به تحقق هدف می‌گردد.
12. بر استاد است تا نهایت دلسوز و مهربان بوده، به پیشرفت و موفقیت محصلانش علاقه‌مند باشد و در این راستا تشویق و ترغیب را نیز به کار ببرد.
13. بر استاد لازم است تا میان حرف و عملش هماهنگی داشته باشد، زیرا وی از این طریق می‌تواند نماد يك شخصیت عظیم انسانی را به نمایش بگذارد، چنانچه در عدم وجود آن زمینه انحطاط شخصیت را مساعد می‌سازد که این عمل را ترور ناخودآگاه شخصیت خودی می‌نامند.
14. انتقادپذیری و انعطاف‌پذیری از ارزشمندی‌های مهم يك استاد به شمار می‌رود و باید به نتایج ثمر بار آن معتقد بوده و همیشه برای آن آمادگی ذهنی و روحی داشته باشد.
15. استاد بر کرسی پیامبران تکیه زده است لذا همیشه در مسیر رسالتش که همانا تربیت و سازندگی است، استقامت داشته، نشاط و طراوت و شادابی را از دست نداده و با صبر و حوصله مندی شایانی وجیه دینی و انسانی‌اش را به پیش ببرد.
16. استاد همیشه در قسمت حل مشکلات محصلان خویش آماده بوده و از هیچ نوع همکاری که به موفقیت شاگردان وی می‌انجامد دریغ نوزد.
17. استاد باید مبتکر و خلاق بوده و در چوکات کاری خویش نوآوری داشته و مداوم شاگردان را از معلومات جدید و مفید بهره‌مند ساخته و بر دانش ایشان بی‌افزاید.
18. استاد باید رازدار محصلانش بوده و در این راستا همیشه اعتماد محصلانش را با خود داشته باشد.
19. وفاداری و صداقت روح معنوی استاد و معلم به شمار می‌رود و بر وی لازم است تا از آن پاسداری نموده و هیچگاه از آن تنزل ننماید.
20. استاد پیوسته تبعیض را کنار گذاشته و همه محصلان را یکسان مورد نوازش قرار دهد؛ زیرا تمام محصلان از حقوق مساوی و از کرامت انسانی کامل برخوردارند.
21. استاد باید دارای عفت زبان و قلم باشد، زیرا استاد کسی است که سخنان او برای دیگران سرمشق عمل بوده و شنوندگان، یکایک آن‌ها را می‌شمارند و بر شخصیت استاد قضاوت می‌کنند، خصوصاً در موضوعات علمی که نمی‌توان از آن عدول نمود، و از دیدگاه دینی دانشمندان در مورد حفظ زبان تأکیدات زیادی ارائه است. از آنجایی که استاد مقام رهبری دارد، ایجاب می‌نماید تا در ارائه سخنان خویش نهایت محتاط باشد.

22. استاد باید به نظریات و دیدگاه‌های محصلان ارج‌گذاری نموده و از آن‌ها به دیده قدر استقبال نماید و اشتباهات خویش را با ارائه نظریات سالم اصلاح نماید.
23. استاد باید ملکه درک و تشخیص نقاط ضعف و قوت محصلان را داشته باشد، تا بتواند خلاءهای موجود را به اسرع وقت تکمیل نموده و توازن در آموزش را به وجود بیاورد.
24. همهٔ انسان‌ها یکسان نیستند و در رفتار، گفتار، برخوردها، یادگیری و... از هم متفاوت‌اند لذا استاد باید تفاوت‌های فردی را رعایت نماید.
25. استاد همیشه با محصلان خویش احساس همدردی داشته و از مشکلاتشان خود را آگاه نموده و در قسمت حل آن، ایشان را مانند یک پدر و مادر رهنمایی و همکاری نماید.

بخش سوم

کارمندان اداری

نکاتی مورد نیاز در انجام امور اداری

اخلاق اداری

اخلاق اداری عبارت از چگونگی کار کردن در اداره است. یگانه چیزی که باید به آن توجه داشت اخلاق اداری در نظام اداری يك کشور است. اساساً اداره، مسئولیت خدمت به کارکنان و آوردن سهولت کاری را به آنها بر عهده دارد.

امانت‌داری

اگر انسان کار و مسئولیت را امانت بداند، بی‌گمان حرمت آن را پاس می‌دارد و تلاش می‌کند که به‌خوبی آن را پیش ببرد و بالنده سازد. چنانچه پیشوایان نخستین اسلام از کارگزاران و کارکنان نظام اداری خود می‌خواستند که کار و مسئولیت را امانت بدانند و در مناسبات و روابط خود امانت‌داری نمایند، چنانکه بر این مبنا هر کس در هر مرتبه اداری امانت‌دار (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) است و باید از اموال، امکانات، حقوق، حدود، حیثیت، شرافت آنان پاسداری کند. زیرا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به امت و تعدی به امانت است.

خدمت‌گزاری

فلسفهٔ وجود نظام اداری، خدمت‌گزاری به (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) است، هرچند در انجام دادن امور، روحیه خدمت‌گزاری کامل‌تر باشد، ارزش کار و کارمند بیشتر است.

مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری در اخلاق اداری، اصل مبنایی است به گونه ای که هر نوع بی مسئولیتی به مفهوم بیرون شدن از مسیر درست و گام نهادن در کجی ها و ناراستی هاست. اصل مسئولیت پذیری می آموزد که هر کس در هر مرتبه ای که باشد، نسبت به تمام امور و کارهای خود مسئول و پاسخگوست. هیچ کارمندی نمی تواند هر گونه که خواست با (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) رفتار نماید و خود را نیز پاسخگو نداند. بر این مبنا کسی حق کمترین اهانت و بی احترامی به (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) را ندارد. افراد حتی نسبت به نوع نگاه و بیان و رفتار خود مسئول اند.

انضباط کاری

انضباط کاری یعنی سامان پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و پرهیز از هرگونه سستی و بی سامانی در کار این امور عمده در يك مجموعه اداری که اصل انضباط کاری بر آن حاکم نیست توفیقی کسب نخواهد کرد و جز اتلاف نیرو بهره ای نخواهند برد.

پیگیری

امور اداری و پیشبرد اهداف سازمانی جز با پیگیری جدی کارها، تحقق نمی یابد و هر کاری نیازمند پیگیری جدی و تلاش اساسی است تا به نتیجه مطلوب برسد و بدون وجود روحیه پیگیری در کارها هیچ کاری به درستی صورت نمی پذیرد.

محبت و مهرورزی

انجام دادن کارها و خدمت گذاری از سر محبت و مهرورزی والاترین هنر در اخلاق است. چنانچه اگر انجام دادن امور با محبت توأم شود، صورت زیبا و کاملاً انسانی می یابد و موجب پیوند جانها و الفت قلبها می گردد و در رفتار و مناسبات اداری، انقلاب معنوی به وجود می آورد. نیروی محبت از نظر اجتماعی، نیروی عظیم و مؤثری است و بهترین اجتماع آن اجتماعی است که با نیروی محبت اداره شود. محبت زعیم و زمامدار به (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) و محبت و ارادت (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) به زعیم و زمامدار، رابطه و محبت زمامدار، عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است. (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند، و آن علاقه هاست که (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) را به پیروی و اطاعت می کشاند.

بردباری

هرکس که در هر مرتبه ای از مراتب نظام اداری قرار می گیرد باید با بردباری تمام امور را پیش ببرد و در برابر خواست (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) و احتیاجات آنان کم حوصلگی نداشته باشد و با تحمل

فراوان خدمت‌گزاری نماید. بنابراین يك نظام اداری ارزشمند، نظامی است که بر اعمال و رفتار کارگزاران و کارمندانش بردباری حاکم باشد.

عدالت

رعایت عدل و انصاف در روابط و مناسبات اداری و در خدمت‌گزاری (استادان، محصلان و سایر کارمندان و مراجعین) اصلی است که بدون آن، نظام اداری از صورت انسانی بیرون می‌رود و هر فساد و تباهی گریبان گیر آن می‌شود. حاکمیت عدالت در نظام اداری، و پاس داشتن و حفظ حقوق دیگران همانند حقوق خود، و در مقام داوری حقوق طرفین را یکسان و برابر رعایت کردن، و برای دیگران حقوقی برابر خود قائل شدن مهم‌ترین قاعده‌ای است که حافظ سلامت و قوت نظام اداری و مایه پیوند دل‌هاست. اگر همین قاعده در نظام اداری رعایت شود، رابطه کارگزاران و کارمندان با (استادان، محصلان، سایر کارمندان و مراجعین) درست سامان می‌یابد و عدل و احسان جلوه پیدا می‌کند.

خوش‌خویی و خوش‌رفتاری

خوش‌خویی و رفتار خوش یکی از رمزهای موفقیت يك کارمند با مراجعین می‌باشد چنانکه اخلاق نیکو، برخورد مناسب، کلام نرم، رفتار شایسته، گفتار مؤدبانه، چهره گشاده با مراجعین یکی از اصول عمده اخلاق اداری می‌باشد باید توجه داشت شخص مقابل شما از برخورد با شما آزرده نشود.

نیکو و به‌جا سخن گفتن و نفی خودکامگی نیز یکی از صفات شایسته اخلاق اداری در اداره می‌باشد، در نتیجه تمام این خوبی‌ها را در يك کشور اسلامی با تمسك واقعی به اسلام عزیز می‌توان دریافت. بعد از تشریحات اندك اصول کلی اخلاق اداری به‌طور خلاصه رعایت مسائل ذیل برای مسئولان اداری لازمی و حتمی پنداشته می‌شود:

1. رعایت کامل شئون اسلامی و عرفی جامعه مانند پوشش مناسب، حفظ متانت، آراستگی، اجتناب از هرگونه رفتارهای ضد اخلاقی و غیره.
2. حفظ آرامش در محیط کاری.
3. رازداری و حفظ اطلاعات و اسناد اداری.
4. رعایت نظم و انضباط کاری، حضور به‌موقع و منظم در محل کار.
5. وقت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری.
6. برخورد مناسب با مراجعین و انجام امور آنها در کوتاه‌ترین زمان ممکن و باکیفیت مطلوب.
7. سرعت عمل و دقت در پیگیری امور محوله.

8. اهتمام همیشگی در آموزش و افزایش معلومات شغلی و اجتماعی و استفاده بهتر از دانش، نظرات و تجربیات خود و دیگران در جهت بهبود انجام وظایف.
9. کمک به سایر همکاران به موازات رعایت حریم کاری یکدیگر.
10. پذیرفتن انتقاد و پیشنهاد با جبین گشاده.
11. حفظ و نگهداری تجهیزات اداری و رعایت اصل صرفه جویی.
12. پرهیز از استفاده شخصی و غیر اداری از اموال اداری مانند تلفون، کامپیوتر، امکانات شبکه و ...
13. پرهیز از انجام هرگونه امور غیر اداری در وقت اداری و اخذ مجوز برای حضور در جلسات غیر کاری در ساعت اداری.
14. هماهنگی کامل با مدیر مربوطه.
15. پایبندی به مفاد قرارداد شغلی و اجتناب از هرگونه چانه زنی در مورد مزایای شغلی فراتر از قرارداد و قانون.
16. آمادگی برای اعزام به مأموریت داخلی و خارجی در صورت لزوم.
17. آمادگی برای حضور در ساعت غیر اداری در صورت لزوم.
18. هماهنگی با مدیر مربوطه برای حضور خارج از وقت اداری در محل کار (اضافه کاری).

بخش چهارم

ضوابط اخلاقی محصلان

نتایج به دست آمده برای ضوابط اخلاقی جوانان و محصلان قرار ذیل می باشد:

1. فرد موفق همیشه واقع بین است یعنی هیچ گاه خود را با بدبینی و منفی گرایی دچار بدبختی نکرده و با درك اوضاع و احوال شرایط مملکت خود را عیار می سازد.
2. اعتماد به نفس داشته باشد.
3. در انتخاب و پوشیدن لباس خویش توجه نماید.
4. بردبار و روشن باشد.
5. نظافت را مراعات نمایند.
6. تابع قوانین پوهنتون بوده و به آن احترام قائل شود.
7. مؤدب بودن و به استادان و تمام پرسونل اعم از هیئت رهبری، استادان، کارمندان و محصلان، احترام قائل باشد.
8. از اذیت و آزار دیگران در صحن پوهنتون خودداری نماید.

9. احساس مسئولیت نموده و دلسوز به خود و هم قطارانش باشد.
10. در حفظ نگهداشت ابزار و وسایل در پوهنتون توجه داشته باشد.
11. تعهد به پروسه آموزش نموده و خود را با زیور دانش آراسته سازد.
12. از صنف، کتابخانه، وسایل درسی، ساعات درسی و سایر امکانات پوهنتون استفاده سالم و اعظمی نماید.
13. شنونده خوب به استاد و هم صنفیانش بوده و به صورت فعال در پروسه آموزش سهم گیرد.
14. پایند حاضری بوده و سر وقت حاضر به درس گردد و در زمان معین صنف را ترك نماید.
15. احترام به نظریات دیگران داشته با همصنفان، استادان، کارمندان اداری از روابط نیک اجتماعی برخوردار باشد.
16. همکار خوب اداره، استادان و همصنفیانش باشد.
17. در همه امور پوهنتون سهل انگار و بی تفاوت نباشد.
18. در بلند بردن ظرفیت و دانش مسلکی خویش بکوشد.
19. از خودخواهی و بی نظمی در امور اجتماعی با دیگر محصلان خودداری نموده و تحمل و حوصله مندی را در خود تقویت بخشد.
20. به وقت ارزش داده و کارهایش را به درستی و در زمان معین انجام دهد.
21. از صنف و از محیط پوهنتون به صورت آشکار و پنهان بهره برداری سیاسی نکند.
22. مثل يك محصل مجهز با وسایل مورد نیاز درسی (کتاب، کتابچه، قلم و...) داخل صنف گردد.
23. محصلان از هرگونه تعصبات قومی، نژادی، مذهبی، جنسیتی، سمتی و... جداً بپرهیزد.

نتیجه‌گیری

یکی از وظایف اساسی رهبری پوهنتون، توجه به اصول و ضوابط اخلاقی و حمایت از آن است. اداره سالم، اداره‌ای است که اصول و ضوابط اخلاقی را جدی می‌گیرد و به آن عطف توجه می‌نماید. رهبری اداره درحالی‌که خود متعهد به اصول و ضوابط اخلاقی است، استادان، کارمندان و محصلان را نیز مکلف می‌داند تا آن را جدماً مراعات نمایند. رهبری پوهنتون تلاش می‌نماید تا مراعات اصول و ضوابط اخلاقی، جزئی خصوصیت وجودی متصدیان (استادان، کارمندان و محصلان) گردد و ایشان، آن را با افتخار در جهت تطبیق آن به‌عنوان یک مسلمان می‌کوشد.

یادداشت: تخطی از مواردی که در بالا ذکرشده، مطابق قانون و لوایح تحصیلات عالی مورد بازپرس قرار خواهد گرفت.

پالیسی فوق در جلسه مؤرخ (۲۴ / ۱۲ / ۱۴۰۲) به شماره پروتوکول (۵) شورای علمی ثبت گردید و مرعی الاجراء می‌باشد.